

بسمه تعالی

خلاصه سومین نشست تخصصی کارگروه جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل

عنوان نشست: تحولات نظم جهانی، سناریوهای موجود و دلالت‌های آن برای اقتصاد ایران

تاریخ برگزاری نشست: ۱۴۰۲ / ۰۶ / ۲۷

سخنران: آقای دکتر وردی‌نژاد و آقای دکتر فرتوک‌زاده

خلاصه نشست:

در این نشست که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و با حضور اعضای از مرکز پژوهش‌ها، پژوهش‌شکده امور اقتصادی، ایتان و سایر شرکت‌کنندگان تشکیل شد، آقای دکتر فریدون وردی‌نژاد، عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه تهران، سفیر ایران در چین طی سالهای ۸۰ تا ۸۴ و معاون سیاسی دفتر رییس‌جمهور در سال ۹۸ و همچنین آقای دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر به ارائه دیدگاه‌های خود پرداختند.

ایشان به دو سؤال کلی پاسخ دادند: «جهان آینده به چه شکل خواهد بود؟» و «دلالت آن برای ایران چیست؟» در ادامه خلاصه‌ای از دیدگاه‌های ایشان ارائه می‌شود.

آقای دکتر فریدون وردی‌نژاد

جهان آینده همچون گذشته از چهار مؤلفه به هم مرتبط با عنوان روندها و ریشه‌ها و نیز رخدادها و رفتارها شکل خواهد گرفت که این مؤلفه‌ها در ۵ بخش جمعیت، اقتصاد و سیاست، آب و انرژی، کشاورزی و غذا و فناوری تجلی پیدا خواهند کرد و این پنج مؤلفه مهم‌ترین تغییرات آینده خواهند بود. اینها به صورت آرام و تدریجی چهره جهان را تغییر می‌دهند و توازن ثروت و قدرت و هویت صورت می‌گیرد. این روندها تغییرات کلی جهان هستند و ممکن است برخی کشورها همسو و برخی خلاف آنها حرکت کنند. برخی ثروت و مزیت می‌یابند و برخی از دست می‌دهند. چه‌بسا که با جهانی دور از انتظار مواجه شویم که برخی تمدن‌ها تاب ماندگاری ندارند.

طبق گزارشی که در آمریکا منتشر شده ۵ سناریو در یک مدل ماهواره‌ای برای آینده جهان محتمل است که البته ممکن است تنها یکی از این سناریوها محقق نشود؛ بلکه ترکیبی از این مجموعه‌ها باشد. اگر بپذیریم که ۳ قطب زنجیره ارزش داریم: (۱) قطب زنجیره ارزش آمریکایی، (۲) قطب زنجیره ارزش اروپایی و (۳) قطب زنجیره ارزش چینی، بقیه در پیرامون این قطب‌ها قرار گرفت. بسیاری معتقدند که این زنجیره‌های ارزش به طور مرتب به سمت دو مقوله حرکت می‌کند: (۱) امنیتی‌شدن مسائل بین‌المللی و (۲) منطقه‌ای شدن و قدرت‌گیری منطقه‌ای. از این رو عموماً بیان می‌شود که در آینده جهانی‌سازی رنگ می‌بازد و کم‌کم کاهش می‌یابد و قدرت‌های آینده را آمریکا و چین تعیین خواهند کرد. البته چین هنوز به آن مرحله از بلوغ نرسیده که ابر قدرت باشد.

سناریوی ترجیحی در بین سناریوهای ذکر شده که منافع ایران را نیز در برداشته باشد و محتمل‌ترین سناریوی آینده در سال‌های پیشرو است، سناریوی چهارم (سیلوهای مجزا) است که حاصل جمع رقابت‌ها و همکاری‌ها است. این سناریو بر خواسته از مزیت‌های رقابتی کشورها است. به تعبیری جهان آینده چندقطبی است. اگر چنین بشود منافع ما به‌عنوان جمهوری اسلامی بهتر تأمین خواهد شد.

شکل عملیاتی آن نیز باید به‌صورت کنسرسیوم‌های مشترک حرکت کنیم و در بخش‌هایی که مزیت داریم مثل برخی صنایع و خدمات فنی - مهندسی، با کشورهای منطقه کنسرسیوم تشکیل بدهیم و در پیمان‌های تجاری نقش بگیریم که مزیت انرژی و مزیت‌های حمل‌ونقلی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

آقای دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده

نظم آینده جهان هر چه که باشد آینده را برای ما دشوارتر از گذشته خواهد کرد. توصیه ما سیاستمداران و مراکز فکری کشور این است که چندان خوش‌بین نباشند. فلذا سناریوها برای ایران از آنجایی شروع می‌شود که بدانیم ایران در مقابل این تهدیدات چه آرایشی به خود خواهد گرفت. ما در نظم آینده (هر چه که باشد) رها نخواهیم بود. چون ایران یک عمق استراتژیک دارد.

بنا بر دلایل بسیاری در آینده نظم آنگلو-ساکسونی همچنان نظم تعیین‌کننده خواهد بود. چون عقلانیت و تجربه طولانی چین نشان می‌دهد که این کشور بازی پرریسکی نخواهد کرد. اما در تلاش خواهد بود که کیک اقتصادش را بزرگ‌تر کند. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده که احتمال برخی اتفاق‌های پیش‌بینی‌نشده نیز وجود دارد؛ بنابراین ما در ایران باید با دست تهی نظم آینده و جغرافیای آینده ایران را بسازیم. اینکه اقتصاد ما بر روی فروش محصولات خام و نیمه‌خام و کامودیتی بنا شده به معنی اضمحلال جغرافیا است. با این شرایط نظم آینده هر چه باشد ما بازنده‌ایم.

باید بتوانیم چرخه مواد خام در برابر غذا را به چرخه «مغز - مهارت» در برابر غذا تبدیل کنیم که یک چرخش بنیادین است. مهم‌ترین فاکتوری که تعیین‌کننده است که هر کشوری در نظم آینده چه‌کاره خواهد بود این

است که دلارش را از کجا به دست می‌آورد. اگر دلار کشوری از فروش مواد خام به دست بیاید آن کشور بازنده است. مهم هم نیست که طرف مقابل آنگلو ساکسونی باشد یا چینی.

جمهوری اسلامی ایران باید به سمتی برود که صنعتگر ایرانی بتواند جغرافیا خلق کند و قدرت ژئواستراتژیک ایجاد کند. پول حاصل از کامودیتی نیز به صندوق ذخیره ارزی برود. این چرخش پارادایمی هم در کالای اساسی باید صورت بگیرد هم در کالاهای صنعتی. همه جای دنیا صنعت به کشور ارز می‌آورد. در ایران صنعت ارز می‌گیرد. صنعت باید ارز موردنیاز خودش را خودش تولید کند یا حداقل تراز ارزی داشته باشد. این چرخش باید در حکمرانی کشور رخ بدهد و نشان بدهد که ایران یک جغرافیای درون‌زا دارد و فعالین اقتصادی می‌توانند در جغرافیاهای مختلف خلق ارزش بکنند.

در این صورت است که متوجه می‌شویم کدام جغرافیا برای ما مهم است. ایرانیان در آفریقا، در آمریکای لاتین، در اوراسیا، در قفقاز، در شرق مدیترانه، در شبه‌قاره هند و عربستان می‌توانند به راحتی خلق ارزش بکنند. چون بخش خصوصی هستند، تحریم هم بر آنها چندان اثرگذار نیست؛ چون می‌توانند شرکت را به صورت بومی ثبت بکنند و حتی قطعات را آنجا مونتاژ نمایند و از آنجا نهاده‌های غذایی وارد بکنند. برای کار کردن با آفریقا باید در آنجا حضور فیزیکی داشته باشیم.